

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی به منظور ارائه الگویی از نظام بهره‌برداری زراعی

(بررسی موردی: بهره‌برداران مستقل صیفی‌کار با بهره‌برداران همکار با کشت و صنعت روژین تاک شهرستان کرمانشاه)
شاپور سلمانوندی* محسن ابراهیم‌پور**

تاریخ دریافت: ۶ شهریور ۱۳۹۱

تاریخ پذیرش: ۱۲ اسفند ۱۳۹۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مقایسه بهره‌برداری مستقل خانوادگی با بهره‌برداری مشارکتی است. منظور از بهره‌برداری مشارکتی در این پژوهش، همکاری بهره‌برداران خرده‌پا به عنوان مالک زمین، آب و نیروی کار با کشت و صنعت‌های خصوصی است که فناوری و دانش نوین کشاورزی را در اختیار دارد. جامعه آماری پژوهش حاضر، ۲۰۰۰ صیفی‌کار (گوجه‌کار) در شهرستان کرمانشاه است. ۱۷۰ صیفی‌کار مستقل و ۱۷۰ بهره‌بردار همکار با کشت و صنعت روژین تاک، از میان ۳۴ روستا با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و مورد بررسی قرار گرفتند. روش پژوهش، پیمایش با ابزار پرسشنامه و فنون کیفی از قبیل مصاحبه باز و بحث گروهی بوده است. اعتبار پرسشنامه نیز از نوع صوری بوده است که اساتید خبره در این حوزه، آن را تأیید کردند. روایی پرسشنامه نیز با آلفای کرونباخ ۰/۷۱ سنجیده شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که تفاوت معناداری بین دو گروه بهره‌برداران مستقل و بهره‌برداران همکار کشت و صنعت به لحاظ تنوع کشت، تجربه کشت، گرایش به نوگرایی در کشاورزی، استفاده از امکانات و فناوری کشاورزی، میزان درآمد محصول و میزان عملکرد محصول در هر هکتار وجود دارد. نتیجه پژوهش حاضر نشان داد که کشت و صنعت مورد بررسی، از طریق برنامه‌های ترویج و آموزش، تقویت روحیه مشارکت و کارهای گروهی، عرضه خدمات کشاورزی رایگان و تلفیق دانش بومی با دانش مدرن کشاورزی، علاوه بر جلب اعتماد و مشارکت بهره‌برداران کوچک‌مقیاس، باعث بهبود فراوان در افزایش عملکرد در هکتار گوجه‌فرنگی و افزایش درآمد آن‌ها شده است. مدل ارائه شده در پژوهش حاضر، تلفیقی از نظام بهره‌برداری خانوادگی و بهره‌برداری کشت و صنعت‌های خصوصی است.

کلیدواژه‌ها: کشت صیفی‌جات، کشاورزی معیشتی، کشاورزی تجاری، نظام بهره‌برداری خانوادگی، کشت و

صنعت روژین تاک.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. ssalmanvandi@gmail.com

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد اینجانب، به راهنمایی دکتر مهدی طالب است که در دانشکده علوم اجتماعی دفاع شده است.

** استادیار مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی. تهران. ایران. ebrahim45@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

بحث و بررسی درباره نظام بهره‌برداری زراعی در ایران، یکی از مسائل مناقشه‌برانگیز در بین جامعه‌شناسان حوزه توسعه روستایی و توسعه کشاورزی، به ویژه بعد از اصلاحات ارضی بوده است. در این میان، بحث از خرده‌مالکان بیشتر از سایر نظام‌ها مورد توجه پژوهشگران مذکور بوده است، اما به دلیل موانع ساختاری، از قبیل تقطیع اراضی، خرد بودن مقیاس زمین، بی‌سوادی و کم‌سوادی آن‌ها و نیز پایین بودن سطح فناوری کشاورزی در بین خرده‌مالکان، هنوز راه‌حلی عملیاتی ارائه نکرده‌اند که چاره‌ساز خرده‌مالکان به منظور افزایش درآمد و بهبود در عملکرد آن‌ها باشد. پیشنهاد پژوهشگران مذکور، تجمیع اراضی و تشکیل تعاونی بوده که هنوز به میزان فراوانی در بین خرده‌مالکان عملیاتی نشده است، هر چند ۲/۵ میلیون هکتار نیز در قالب ۸۰۰ تعاونی در طول سال‌های بعد از انقلاب اسلامی تشکیل شده است.

بخش کشاورزی هر جامعه‌ای، مبتنی بر نظام‌های بهره‌برداری تشکیل‌دهنده آن است. نظام‌های بهره‌برداری مانند هر جزء دیگری از نظام اجتماعی، تابع تحولات کل نظام اجتماعی است. به عبارت دیگر، استحکام و اضمحلال نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی، در چارچوب کل روند توسعه هر جامعه‌ای پدید می‌آید (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۰۹). نظام بهره‌برداری، هسته مرکزی و تعیین‌کننده‌ترین عامل تولید کشاورزی است. تمام عوامل محیطی، به واسطه نظام بهره‌برداری، بر کمیت و کیفیت عملکرد کشاورزی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، توسعه کشاورزی به معنی ایجاد تحولی کیفی و بنیادی در ساختار کشاورزی، به شناخت نهادمندی نظام‌های بهره‌برداری بهینه و مناسب در ایران منوط است (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۲: ۳). در ایران بزرگ‌ترین و بنیادی‌ترین مانع نرم‌افزاری موجود بر سر راه توسعه بخش کشاورزی و تحقق اهداف راهبردی آن، مانع ساختاری مربوط به نظام کشاورزی است که مسئله نظام بهره‌برداری، کانون و هسته مرکزی آن را تشکیل می‌دهد (عبداللهی، ۱۳۷۷: ۱۸). نگاهی به آمارهای مرکز آمار ایران در حوزه مساحت اراضی کشاورزی، باغ‌ها و قلمستان استان کرمانشاه، اهمیت این استان را در بخش کشاورزی ایران نشان می‌دهد. استان کرمانشاه به دلیل وجود خاک‌های حاصلخیز، آب فراوان و شرایط اقلیمی مناسب بر اساس سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، تولید ۱۰ درصد از محصولات کشاورزی ایران را بر عهده دارد. بر اساس سرشماری کشاورزی کشور در سال ۱۳۸۲،

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

مساحت کل زمین‌های قابل کشاورزی استان کرمانشاه ۷۵۱۰۱۲ هکتار بوده است که از این مقدار، ۷۲۹۷۷۷ هکتار، زراعی و ۱۴۶۷۰۳۴ هکتار، باغ و قلمستان است (به جدول (۱) نگاه کنید).

جدول (۱): سهم اراضی زراعی، باغ و قلمستان استان کرمانشاه از کل کشور

استان	کل		اراضی زراعی		باغ و قلمستان	
	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت
کل کشور	۳۴۸۰۲۹	۱۷۶۶۵۱۹۸	۲۷۹۰۸۸۵	۱۶۱۹۷۱۶۴	۱۶۵۱۰۴۶	۱۴۶۸۰۳۴
کرمانشاه	۱۲۰۸۲۷	۷۵۱۰۱۲	۱۱۰۲۷۸	۷۲۹۷۷۷	۳۱۳۹۳	۲۱۲۳۵

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲

از این‌رو، این مسئله مطرح خواهد شد که آیا استان کرمانشاه با این میزان مساحت زمین‌های قابل کشت و با نظام غالب بهره‌برداری کشاورزی در این استان، یعنی بهره‌برداری مستقل خانوادگی که آن نیز عموماً زمین‌های کشاورزی با مقیاس کم را داراست، می‌تواند در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، این انتظار را برآورده کند؟ چه برنامه‌ای برای تقویت و بهبود عملکرد نظام بهره‌برداری در این مدت شکل خواهد گرفت که تولید محصولات کشاورزی را چند برابر کند؟ آیا شکل‌گیری نظام مشارکتی بهره‌برداری (ترکیب کشت و صنعت خصوصی و بهره‌بردار خانوادگی) در این منطقه می‌تواند به عنوان یکی از راه‌حل‌های مسئله مورد نظر، مطرح باشد؟ آیا نظام بهره‌برداری مشارکتی در مقایسه با بهره‌برداری خانوادگی مستقل، باعث بهبود عملکرد در هکتار و افزایش درآمد در واحد سطح می‌شود؟

چارچوب نظری

پژوهش‌های اندکی درباره مقایسه نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران انجام شده است که یافته‌های آنها، بیشتر بیانگر برتری نظام‌های مشارکتی و تعاونی بر سایر نظام‌های زراعی در ایران است. هر چند که در برخی موارد، تعاونی‌ها و نظام‌های مشارکتی نیز با موانع و مشکلاتی روبرو بوده است. بر اساس بررسی‌های نگارندگان پژوهش حاضر، بحث درباره نظام‌های بهره‌برداری زراعی، به لحاظ نظری ضعیف و کم‌بینه بوده، اما پژوهش‌های تجربی قابل‌اعتنایی نیز انجام شده است که در ادامه با توجه به موضوع و هدف پژوهش حاضر، به طور خلاصه اهم پژوهش‌های اخیر بیان می‌شود: ازکیا و فیروزآبادی (۱۳۸۷: ۷۷-۹۶)، در پژوهشی با عنوان "بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره‌برداری دهقانی به تعاونی"، که در ۴۹ روستای واقع در

حوزه آبریز کرخه، با هدف مقایسه تطبیقی بین دو شیوه فردی و جمعی از نظام‌های بهره‌برداری دهقانی و تعاونی با سایر انواع نظام‌های بهره‌برداری انجام داده بودند، نتیجه گرفتند که میزان مشارکت، هنجار همیاری و تمایل به کار گروهی، نوگرایی و بهره‌وری در بهره‌برداران تعاونی، به شکل معناداری بیشتر از بهره‌برداران در واحدهای خرد و دهقانی است. بر اساس نتایج پژوهش آنها، عوامل دیگری نیز به نحو محسوسی در ایجاد نظام‌های بهره‌بردار تعاونی مؤثر است، از جمله وضعیت اقتصادی-اجتماعی، تمایل به یکپارچه‌سازی اراضی و بهره‌برداری. عمانی و چیدری (۱۳۸۲: ۵۸۱-۵۹۹) در پژوهشی با عنوان "تأثیر عضویت در تعاونی‌های تولید روستایی بر سطح ویژگی‌های فنی، اقتصادی و اجتماعی گندمکاران استان خوزستان" که در سه شهرستان اهواز، بهبهان و دزفول درباره ۳۵۹ گندم‌کار انجام داده بودند، نتیجه گرفتند که بین دانش فنی، سطح مکانیزاسیون، سطح زمین زیر کشت، درآمد حاصل از محصول، مشارکت اجتماعی و منزلت اجتماعی گندم‌کاران عضو و غیرعضو تعاونی تولید روستایی، اختلاف معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. اصلاحی (۱۳۸۰: ۴۳۷-۴۶۲) نیز پژوهشی با عنوان "بررسی و تحلیل نظام بهره‌برداری مشاع روستایی" با مطالعه اسناد و مدارک و پیمایش انجام داده است. نتایج پژوهش مذکور، نشان داد نظام بهره‌برداری مذکور که بر اساس مبانی نظری و چارچوب مفهومی‌اش، بر کار گروهی تعدادی کشاورز با مالکیت جمعی آب، زمین و ماشین‌آلات در واحد بهره‌برداری تأکید دارد، در صورت عدم نظارت و فقدان مدیریت قوی، دچار تجزیه و تفکیک اراضی می‌شود. لهسایی‌زاده (۱۳۸۲: ۳۶۷-۳۸۳) در یک بررسی مقایسه‌ای بین نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران و ویتنام نتیجه گرفته است که با توجه به وقوع انقلاب در هر دو کشور، با یک جامعه زراعی انتقالی روبرو هستیم که در آن نظام‌های مستقل دهقانی و تعاونی‌های تولید کشاورزی و تعدادی از نظام‌های بهره‌برداری سنتی در جوار روابط تولید سرمایه‌داری، به تولید کشاورزی مشغول است و هر دو کشور در اثر فرایندهای مشابهی متوجه شده‌اند که آزادسازی کشاورزی، یگانه راه نجات جوامع کشاورزی آن‌هاست، از این رو، به انجام این عمل پرداخته‌اند.

تعاونی‌های تولیدی و مشاع‌های کشاورزی، موانع و مشکلاتی نیز دارد: مصطفی شریف (۱۳۸۲: ۴۶۳-۴۷۶) در پژوهشی با عنوان "تحلیلی بر روند تشکیل و ساختار مشاع‌های کشاورزی و چشم‌اندازهای آن" مشکلات بهره‌برداری‌های مشارکتی کشاورزی را به دو دسته کلی درونی و بیرونی تقسیم کرده است. مشکلات درونی، به کشت و کار و تفاوت‌های افراد عضو، مربوط است، زیرا آنهایی

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

که از قدرت بیشتری برخوردارند، خواهان گسترش قدرت هستند، ولی الزام‌های بهره‌برداران مشارکتی، چنین اجازه‌ای را نداده است و برای همه در حد سهمی که دارند، حقوقی برابر قائل است. مشکلات بیرونی این‌ها نیز با وجود رسمیت قانونی، از رسمیت حقوقی که مورد قبول همه دستگاه‌ها و نهادهای مختلف باشد، برخوردار نیست. فیروزآبادی و حسینی (۱۳۹۰: ۱۳۱-۱۴۸) در پژوهشی با عنوان "بررسی موانع و مشکلات تعاونی‌های روستایی در بازاریابی محصولات کشاورزی" ضمن معرفی تعاونی‌های روستایی به عنوان یک نظام بهره‌برداری نیمه‌فعال (فقط فعال در زمینه خرید محصولات کشاورزی تضمینی)، به بررسی نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در موفقیت و عدم موفقیت این نوع نظام بهره‌برداری در فروش محصولات کشاورزی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داده است که کمبود امکانات زیرساختی (سردخانه، کارخانه فرآوری و بسته‌بندی و غیره)، کمبود اعتبار و سرمایه مالی تعاونی‌ها، ضعف در منابع انسانی (دانش، آگاهی، مهارت‌ها و غیره)، شفاف نبودن ارتباط بین سرپرست‌ها و کارمندان تعاونی روستایی با اعضا و ضعف در ساختار بوروکراسی اداری و عوامل اجتماعی - فرهنگی، به ویژه اعتماد متقابل و مشارکت فعال روستاییان در شرکت‌های تعاونی روستایی، نسبت به سایر عوامل مؤثر در عدم موفقیت تعاونی‌های مذکور، در بازاریابی محصولات کشاورزی، از اهمیت بیشتری برخوردار است. بر اساس سایر نتایج پژوهش مذکور، باور کشاورزان به همکاری و مشارکت فعال در تعاونی روستایی، در موفقیت این نوع نظام بهره‌برداری مؤثر است.

نظام بهره‌برداری زراعی

در فرهنگ فانتانا^۱، نظام گروهی از عناصر بهم‌پیوسته است که برای مقصود خاصی گرد هم آمده است. "اصطلاح بهره‌برداری" نیز با معانی متعددی همچون سود بردن از چیزی، عمل برداشت از حاصل زراعت، سهم گرفتن، به فروش رساندن محصول کارخانه یا معدن مترادف است. از کیا در تعریف عملیاتی نظام بهره‌برداری می‌گوید: نظام بهره‌برداری مجموعه‌ای از نیروهای تولید (فن و روش‌های تولید، منابع تولید، ابزار نیروی کار) و روابط اجتماعی تولید است. عواملی مانند مالکیت منابع و عوامل تولید (مالکیت آب، زمین، ابزار و ادوات تولید، نیروی کار و نهادها)، رویه‌های حقوقی، رسمی و عرفی (مالکیت با قباله رسمی، قواعد مربوط به نسق و نسق‌بندی و غیره)، فاعلیت (شامل

1 Fontana

تقسیم کار، وضعیت کارگران، سازمان کار و مناسبات اجتماعی نظیر خودیاری، همیاری، کارگری و غیره)، مقیاس و درجات متفاوت بهره‌برداری به لحاظ فناوری، فنون و انواع و سطح کاربرد هر کدام، در تعیین، تعریف و تفکیک نظام‌های بهره‌برداری نقش دارد (ازکیا، ۱۳۸۴: ۳۶). طالب نیز مفهوم بهره‌برداری^۱ را سلول اولیه فعالیت کشاورزی و واحدی تولیدی در نظر می‌گیرد که کارهای مختلفی را از قبیل کوشش برای مبارزه با عوامل نامطلوب طبیعی برای کشت و زرع، توزیع نیروی کار بر حسب زمان و نیاز هر محصول در هر مرحله از کشت سازمان می‌دهد (طالب، ۱۳۸۴: ۳۰۲).

نظام بهره‌برداری مستقل خانوادگی

بهره‌برداری دهقانی یا خانوادگی، به نظامی اطلاق می‌شود که در آن بهره‌برداران، سه عامل تعیین‌کننده نظام بهره‌برداری یعنی مالکیت (تملک بر زمین زراعی)، حاکمیت (حق تصمیم‌گیری و تصمیم سرنوشت یا به عبارت دیگر، مدیریت کشاورزی) و بالاخره فاعلیت (نظام کار و شکل فاعلیت) را دارا باشند (ازکیا، ۱۳۸۳: ۱۸۴). در این نظام، رئیس خانواده با کمک اعضای خانواده خود یا چند کارگر، روی زمین کار می‌کنند. این نوع نظام بهره‌برداری، بیشترین فراوانی را در بین سایر شیوه‌های بهره‌برداری در ایران دارد. ویژگی‌های نظام بهره‌بردار مذکور عبارت است از: سرمایه فنی بسیار اندک و محدود به چند قطعه و یک یا چند رأس حیوان؛ ضعف دانش و مدیریت حاکم بر مزرعه؛ محدود بودن مساحت زمین؛ ضعف و کم بودن حجم و بازده خاک؛ اتکاء بر کار زنان، کودکان و سالخوردگان؛ اندک بودن سرمایه مالی و عدم توان سرمایه‌گذاری بیشتر؛ حاکمیت اقتصاد معیشتی و دهقان کمتر در فکر صدور محصول به بازار است؛ میزان اشتغال کم و بیکاری پنهان (میرزاخانی، ۱۳۸۲: ۵۲۵-۵۲۸).

نظام بهره‌برداری کشت و صنعت

واحدهای کشت و صنعت در سال ۱۳۴۷، با اهداف فنی (اجرای سیاست‌های یکپارچگی اراضی و کشت، انجام عملیات زیربنایی، استفاده صحیح از ماشین‌آلات و ابزار و ادوات کشاورزی، کاربرد روش‌های علمی و فنون نوین و پیشرفته کشاورزی)، اقتصادی (رشد تولیدات متنوع زراعی و دامی و فرآورده‌های آن‌ها، افزایش بازدهی عوامل تولید، استفاده از اعتبارات و پیوند کشاورزی با صنعت به

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

منظور توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی وابسته به کشاورزی)، اجتماعی (مدیریت و سازماندهی علمی و تخصصی و غیره)، فرهنگی (ارتقای سطح دانش فنی و علمی) و اکولوژیک (حفظ منابع آب، خاک، مراتع و جنگل‌ها...) تأسیس گردید و به سرعت گسترش یافت. پس از وقوع انقلاب اسلامی، بسیاری از واحدهای کشت و صنعت متعلق به شرکت‌ها و سرمایه‌داران خارجی و داخلی، منحل یا مصادره گردید. در حال حاضر، معدودی از شرکت‌های قبلی و برخی شرکت‌های تازه تأسیس به فعالیت خود ادامه می‌دهد (عبداللهی، ۱۳۷۷: ۴۷). وسعت اراضی زیر کشت واحدهای کشت و صنعت، از ۵۰ تا چند هزار هکتار متغیر است. میانگین آن بیش از ۱۸۰۰ هکتار است و بعد از شرکت‌های سهامی زراعی، از بیشترین میانگین سطح زیر کشت برخوردار است. اراضی آبی نیمی از واحدهای کشت و صنعت، مشتمل بر یک قطعه وسیع یکپارچه و نیمی دیگر، بین ۲ تا بیش از ۱۰ قطعه و میانگین آن ۶ قطعه است. هر واحد کشت و صنعت، به طور متوسط حدود ۵۰ وسیله نقلیه در اختیار دارد که بیشترین میزانی است که در بین انواع بهره‌برداران گزارش شده است. کشت و صنعت بعد از شرکت‌های سهامی زراعی، از بیشترین سطح میزان مکانیزاسیون برخوردار است. هدف تولید در واحدهای مذکور، فروش است. شیوه تصرف اراضی ملکی و غیرملکی، اجاره‌ای است. مالک بر حسب مورد، فرق می‌کند. دولت، شرکت به عنوان شخصیت حقوقی و فرد به عنوان مالک گزارش شده است. نوع سازمان، رسمی و مدیریت، فردی است. استفاده از نیروی کار، بیشتر به صورت مزدبگیری است. توزیع محصول در واحدهای کشت و صنعت، بر اساس کار و سرمایه انجام می‌شود و ارزش اقتصادی، یعنی تولید برای کسب سود و انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری نیز بسیار فراوان است. میزان تحصیلات کارکنان واحدهای مذکور، در مقایسه با سایر واحدهای بهره‌برداران بسیار بیشتر است. سطح دانش علمی و فنی و میزان کاربرد روش‌ها نیز در واحدهای مذکور بالاست (عبداللهی، ۱۳۷۷: ۱۵۳).

نظام بهره‌برداری مشارکتی (تلفیقی از کشت و صنعت و بهره‌برداری خانوادگی)

همان‌طور که در بخش اهداف پژوهش نیز بیان گردید، هدف بررسی حاضر، مقایسه نظام بهره‌برداری مستقل خانوادگی و نظام بهره‌برداری مشارکتی است. دلیل بیان توضیحات مربوط به کشت و صنعت، این است که شرکت کشت و صنعت، با بهره‌بردار خانوادگی همکاری و مشارکت داشته و در اینجا به عنوان یک نظام مستقل زراعی مورد بررسی قرار نگرفته است. در نظام بهره‌برداری

توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

مشارکتی، بهره‌برداران خانوادگی به عنوان مالک زمین زراعی و آب و نیروی کار مطرح هستند و کشت و صنعت‌ها هم فناوری کشاورزی نوین را در اختیار دارد و هم محصول زراعی بهره‌برداران خانوادگی را به صورت تضمینی خریداری می‌کند.

شکل‌گیری کار مشارکتی در هر حوزه‌ای، به عوامل زیادی منوط است. یافته‌های پژوهش‌های برخی از پژوهشگران (زلدین^۱، ۲۰۰۴: ۷۵-۹۰؛ ۲۰۰۲: ۳۳۱-۳۴۳؛ فلچر^۲ و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۹-۴۸؛ برنان^۳، ۲۰۰۷: ۲۰-۲۸) نشان داده است که بین دارا بودن عوامل انگیزشی-مانند عزت نفس، احساس کارایی و سودمندی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مهارت‌های رهبری- با مشارکت، رابطه مثبتی وجود دارد. به اعتقاد برنان^۴ و همکاران (۲۰۰۷: ۳۶-۴۶)، علاوه بر عوامل انگیزشی، عواملی مانند سن و نگرش به اشتغال در بخش کشاورزی، بر فعالیت‌های مشارکتی تأثیر می‌گذارد. آن دولی^۵ و همکاران (۲۰۰۲: ۱۸۹-۱۹۵) مشخص کردند که مشارکت در بخش کشاورزی و انتخاب این حرفه، به ویژه در بین جوانان، رابطه معناداری با سطح تحصیلات و درک و فهم دارد.

هدف کلی

هدف کلی پژوهش حاضر، مقایسه نظام بهره‌برداری مستقل خانوادگی با نظام بهره‌برداری مشارکتی (مشارکت بهره‌برداران خانوادگی و کشت و صنعت‌های خصوصی) به منظور ارائه یک مدل از نظام بهره‌برداری زراعی است.

اهداف جزئی

اهداف جزئی پژوهش حاضر نیز عبارت است از:

- شناخت تفاوت‌ها و تشابه‌های بهره‌برداران مستقل خانوادگی و بهره‌برداران مشارکتی.
- شناخت برنامه‌های مشارکتی شرکت‌های کشت و صنعت خصوصی با بهره‌برداران خانوادگی.
- ارائه مدل مشارکتی بهره‌برداری مناسب به منظور بهبود و تقویت اقتصادی-اجتماعی بهره‌برداران خانوادگی.

1 Zeldin
2 Fletcher
3 Brennan
4 Brennan
5 Andolina

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

روش‌شناسی

در پژوهش حاضر، به فراخور مراحل پژوهش از دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. ابتدا برای گردآوری اطلاعات اولیه و مقدماتی در روستاهای مورد بررسی، از روش ارزیابی سریع روستایی استفاده شد. سپس اطلاعات گردآوری شده، تجزیه و تحلیل گردید و در مرحله بعد، با توجه به این اطلاعات و اهداف پژوهش، پرسشنامه برای انجام پیمایش تهیه شد. داده‌های مربوط به ابتکارات و اقدامات مدیران کشت و صنعت و بهره‌برداران خانوادگی نیز با روش مصاحبه گردآوری شده است. ابزار اصلی پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌های کمی و آماری، پرسشنامه بوده و برای گردآوری اطلاعات تکمیلی از روش کیفی و فنون مصاحبه باز، بحث‌های گروهی و حضور در میدان پژوهش به صورت مشاهده همراه با مشارکت با هر دو گروه زراعی مستقل و مشارکتی، استفاده شده است. همچنین از آنجایی که مجتمع کشت و صنعت روژین تاک^۲ کرمانشاه، به عنوان همکار گروه بهره‌برداران مشارکتی مطرح است، به صورت کیفی و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق، از مدیریت و گروه کارشناسی آن و نیز اسناد موجود در دفتر توسعه و برنامه‌ریزی کشت و صنعت، داده‌های لازم درباره شرکت مذکور گردآوری شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر، ۲۰۰۰ بهره‌بردار صیفی‌کار (گوجه‌فرنگی‌کاران) شهرستان کرمانشاه هستند. جمعیت نمونه این پژوهش دوگروه است که از هر کدام تعداد ۱۷۰ نفر بهره‌بردار همکار شرکت و ۱۷۰ نفر از بهره‌برداران مستقل با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از ۳۴ روستا انتخاب گردیدند. در پژوهش حاضر، از روش اعتبار محتوا^۳ به ویژه اعتبار صوری استفاده شده است. بدین صورت که پس از تنظیم پرسشنامه و طراحی گویه‌های لازم برای شاخص‌های پژوهش، پرسشنامه توسط اساتید و متخصصان این حوزه از پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. آنها پس از

1 Rapid Rural Appraisal (RRA)

۲ شرکت کشت و صنعت روژین تاک، واقع در منطقه میان دربند شهرستان کرمانشاه، در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد. در نخستین گام، این شرکت به آموزش کشاورزان صیفی‌کار و وارد کردن بذر مرغوب و اصلاح شده پرداخت. سپس در سال ۱۳۸۳، با آوردن ۱۲۰ خانوار کشاورز گوجه‌کار از استان خراسان به شهرستان کرمانشاه و اجاره کردن زمین‌های مناسب زراعی به مساحت ۶۰۰ هکتار و تضمین خرید محصول از کشاورزان، یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های ترویجی را به گفته مدیران جهاد کشاورزی استان و کشور به وجود آورده است. اکنون این شرکت ۵۰۰۰ هکتار زمین زراعی آبی را تحت پوشش دارد که همگی از خرده‌مالکان روستاهای شهرستان کرمانشاه هستند. شرکت مذکور، دو خط تولید گوجه‌فرنگی پوست‌کنده و گوجه‌فرنگی خرد شده را دارد که ظرفیت دریافت ۲۳۰۰ روزانه گوجه‌فرنگی را دارد. همچنین پس از پایان فصل تولید رب، توان دریافت ۵۰۰ تن میوه به منظور تبدیل به پوره میوه‌جات در بسته‌بندی اپستیک را دارد. شرکت کشت و صنعت روژین تاک در بخش کشت، ترویج و آموزش گوجه‌فرنگی از سوی سازمان جهانی کشاورزی و خوار و بار (FAO) به عنوان موفق‌ترین طرح در قاره آسیا در سال ۲۰۰۶ شناخته شد.

3 Content Validity

بررسی و مطابقت گویه‌ها با شاخص‌های اندازه‌گیری شده و شرایط و محیط پژوهش، نظرهای خود را بیان کردند. اعمال نظر اساتید در کنار ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه مورد بررسی، عوامل اصلی انتخاب نوع گویه برای سنجش شاخص‌ها بود که در نهایت، این فرایند موجب تنظیم پرسشنامه نهایی شد. برای سنجش روایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ^۱ استفاده شده است. میزان آلفای کرونباخ اولیه، ۰/۶۳ بود که پس از بازمینی و حذف گویه‌هایی که کمتر از ۰/۳۰ درصد با کل همبستگی داشتند، این میزان به ۰/۷۱ رسید که بیانگر همبستگی درونی گویه‌ها با شاخص مورد بررسی در حد قابل قبول است.

در بخش کیفی، از فنون مصاحبه عمیق، باز و بحث گروهی استفاده شده است. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده است و مصاحبه‌ها تا تکرار داده‌ها و اطلاعات ادامه یافت. بر همین مبنا تعداد ده مصاحبه عمیق با بهره‌برداران مستقل و ده مصاحبه عمیق با بهره‌برداران همکار کشت و صنعت و یک بحث گروهی با حضور شش نفر از کارشناسان و مدیرعامل کشت و صنعت انجام شده است. انتخاب کارشناسان و مدیرعامل شرکت به صورت هدفمند بود، ولی انتخاب نمونه از بهره‌برداران، تا زمانی ادامه یافت که پاسخ‌های تکراری دریافت شد و در اصطلاح روش‌شناختی، نمونه اشباع گردید. از آنجایی که شرکت کشت و صنعت، متغیر تأثیرگذار در بهره‌برداری مشارکتی است، در پژوهش حاضر، بیشتر بر این متغیر و برنامه‌های این شرکت تمرکز می‌شود. کارشناسان کشت و صنعت، در مواردی از قبیل چگونگی آموزش و ترویج کشت گوجه‌فرنگی در منطقه مورد بررسی، روش‌های ارتباط با کشاورزان و چگونگی جذب مشارکت و نیز راه‌های عرضه خدمات کشاورزی نوین به صیفی‌کاران مورد پرسش قرار گرفتند. پرسش‌هایی که از هر دو گروه بهره‌برداران مستقل و مشارکتی پرسیده شد، بیشتر درباره تنگناها و چالش‌های کشت گوجه‌فرنگی در منطقه، چگونگی استفاده از دانش بومی در کشت گوجه‌فرنگی، بحث ارتباط با اداره خدمات کشاورزی شهرستان، مشارکت با سایر بهره‌برداران و میزان استفاده از فناوری نوین کشاورزی بود.

آشنایی با جامعه آماری

شهرستان کرمانشاه در پایان سال ۱۳۸۸، تعداد ۷۶۲ روستا داشت که از این تعداد، ۷۱۴ روستا، اصلی و قمر، ۱۷ روستا، سیار و ۳۱ روستا، خالی از سکنه بود. تعداد کل خانوارهای روستایی

1 Cranach's Alpha

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

شهرستان کرمانشاه، ۳۶۶۲۱ خانوار است که جمعیتی بالغ بر ۱۶۹۹۰۲ نفر دارد. ۱۷/۵ درصد از جمعیت شهرستان کرمانشاه، روستایی و ۸۲/۵ درصد از جمعیت آن، شهرنشین است. از مجموع ۷۳۱ روستای شهرستان کرمانشاه، ۳۴ روستا با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد تا بهره‌برداران گوجه‌کار از بین آن‌ها انتخاب شود. اراضی کشاورزی شهرستان در دشت‌های ماهیدشت، بان در بند، میان دربند بیلوار و درود فرامان تمرکز یافته است و کشت‌های عمده، از جمله صیفی‌جات در مناطق مذکور کشت می‌شود. یکی از برنامه‌هایی که باعث تغییر ساختار اجتماعی - اقتصادی در نوع مالکیت زمین زراعی شهرستان کرمانشاه شد، اصلاحات ارضی بود. برنامه اصلاحات ارضی، در ۹۶/۵ درصد از روستاهای کرمانشاه اجرا شد و فقط دو ده و مزرعه (۳/۵ درصد) مشمول قانون اصلاحات ارضی نگردید. برنامه مذکور، باعث ظهور بهره‌برداران جدیدی شد که بیشتر آن‌ها، خرده‌مالک و فاقد فناوری نوین کشاورزی بودند. آن‌ها فقط به کشت محصولات رایج، یعنی گندم و جو می‌پرداختند که به دلیل مقیاس کوچک زمین و قیمت کم این محصول، چندان برای آن‌ها سودآور نبود. اما در سال‌های اخیر، بهره‌برداران خانوادگی که عمدتاً خرد مقیاس هستند (۰/۶۴ درصد و کمتر از ۵ هکتار) به کشت صیفی‌جات سودآور روی آورده‌اند و اکنون به عنوان یکی از قطب‌های کشت صیفی‌جات به ویژه کشت گوجه‌فرنگی مطرح هستند.

به‌طور خلاصه، کشت صیفی‌جات به ویژه گوجه‌فرنگی در شهرستان کرمانشاه، به چهار دلیل در این منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و روز به روز در حال گسترش است: (۱) شرایط خاص اقلیمی که در شعاع ۱۲۰ کیلومتری، از آب و هوای گرم، معتدل و سرد برخوردار است و گوجه‌فرنگی عمل آمده در این منطقه، رنگ و طعم ویژه‌ای دارد؛ (۲) بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی؛ (۳) اختلاف درجه حرارت روز و شب که دلیل بالا بودن کیفیت گوجه‌فرنگی استان است؛ (۴) بکر بودن زمین‌های شهرستان که باعث راندمان بالا در برداشت و نیز بالا بودن کیفیت گوجه‌فرنگی است.

پرسش‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، در بخش کمی پرسش‌های زیر بررسی می‌شود: آیا بین ویژگی‌های فردی دو گروه بهره‌برداران مستقل خانوادگی و بهره‌برداران همکار شرکت، اختلاف معناداری وجود دارد؟ آیا بین ویژگی‌های کشت دو گروه بهره‌برداران مستقل خانوادگی و بهره‌برداران همکار شرکت، اختلاف

معناداری وجود دارد؟ آیا بین میانگین استفاده از وام و اعتبارات دولتی دو گروه بهره‌بردار همکار و مستقل از شرکت، اختلاف معناداری وجود دارد؟ آیا بین گرایش به نوگرایی بهره‌برداران همکار و مستقل از شرکت، اختلاف معناداری وجود دارد؟ آیا بین میانگین قطعات دو گروه بهره‌بردار همکار و مستقل از شرکت، اختلاف معناداری وجود دارد؟ آیا بین میزان استفاده از امکانات و فناوری کشاورزی دو گروه همکار و مستقل از شرکت، اختلاف معناداری وجود دارد؟ آیا بین میزان عملکرد در هکتار دو گروه بهره‌بردار همکار و مستقل از شرکت، اختلاف معناداری وجود دارد؟ آیا بین استفاده از امکانات و فناوری کشاورزی دو گروه بهره‌بردار همکار و مستقل از شرکت، اختلاف معناداری وجود دارد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش

در این بخش از پژوهش، برای نشان دادن تفاوت یا عدم تفاوت بین ویژگی‌های فردی، زراعی و اقتصادی-اجتماعی دو گروه از بهره‌برداران مشارکتی و بهره‌برداران مستقل، میانگین بیشترین و کمترین فراوانی متغیرهای مورد بررسی، به تفکیک بیان شده است.

ویژگی‌های فردی

در جدول (۲)، تفاوت بین بهره‌برداران مشارکتی و بهره‌برداران مستقل به لحاظ ویژگی‌های فردی، شامل سن، تحصیلات و بعد خانوار بیان شده است. همان طور که در این جدول مشاهده می‌شود، میانگین سن بهره‌برداران مشارکتی، ۵۰/۱ سال، و کمترین و بیشترین سن بهره‌بردار مشارکتی، به ترتیب ۲۷ و ۷۴ سال است. برای بهره‌برداران مستقل نیز میانگین سن، کمترین و بیشترین سن به ترتیب ۵۲/۱، ۲۹ و ۸۰ سال است. سطح تحصیلات در پژوهش حاضر، از ۱ تا ۵ کدگذاری شده است، به این معنی که به بی سواد کد ۱، به ابتدایی، کد ۲، به راهنمایی، کد ۳، به متوسطه و دیپلم، کد ۴ و به تحصیلات دانشگاهی نیز کد ۵ داده شده است. بر همین مبنا، همان طور که در جدول نیز مشاهده می‌شود، میانگین سطح تحصیلات بهره‌برداران مشارکتی، ۳/۱ است و سطح تحصیلات بهره‌برداران مستقل نیز ۲/۹ است. بر اساس اطلاعات جدول مذکور، بعد خانوار بهره‌برداران مشارکتی، ۵/۲۷ نفر و بعد خانوار بهره‌برداران مستقل نیز ۵/۶۵ نفر است.

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

جدول (۲): ویژگی‌های فردی بهره‌برداران مشارکتی و مستقل

ردیف	متغیر	بهره‌برداران مشارکتی			بهره‌برداران مستقل		
		میانگین	کمترین	بیشترین	میانگین	کمترین	بیشترین
۱	سن	۵۰/۱	۲۷	۷۴	۵۲/۱	۲۹	۸۰
۲	تحصیلات	۳/۱	۱	۵	۲/۹	۱	۵
۳	بعد خانوار	۵/۲۷	۸	۲	۵/۶۵	۲	۷

ویژگی‌های زراعی

بر اساس اطلاعات جدول (۳)، تعداد قطعات زمین بهره‌برداران مشارکتی، به طور میانگین ۲/۵۵ قطعه بوده است که از ۱ تا ۴ قطعه در بین بهره‌برداران مشارکتی، در نوسان بوده است. برای بهره‌برداران مستقل نیز تعداد قطعات زمین، به طور میانگین ۲/۵۶ قطعه بوده که از ۲ تا ۴ قطعه در بین این بهره‌برداران، در نوسان بوده است. تنوع کشت، یعنی تعداد کشت‌هایی که کشاورز در یک سال زراعی بر زمین خود انجام می‌دهد، نیز بر اساس اطلاعات این جدول به این صورت است که بهره‌برداران مستقل، به طور میانگین ۳/۲۷ کشت و بهره‌برداران مشارکتی، ۱/۸۷ کشت در یک سال زراعی انجام می‌دهند. تنوع کشت برای بهره‌برداران مستقل بین ۲ تا ۵ و برای بهره‌برداران مشارکتی، بین ۱ تا ۳ کشت در نوسان است. در نهایت، در این جدول تجربه کشت گوجه‌فرنگی در بین هر دو گروه مورد بررسی، مشاهده می‌شود. بر اساس اطلاعات این جدول، تجربه کشت گوجه‌فرنگی در بین بهره‌برداران مشارکتی، ۵/۶۵ سال و در بین بهره‌برداران مستقل، ۷/۲۵ سال به طور میانگین است و بیشترین و کمترین تجربه کشت در بین بهره‌برداران مشارکتی، به ترتیب ۲۰ و ۴ سال و در بین بهره‌برداران مستقل، ۵ و ۲۵ سال است.

جدول (۳): ویژگی‌های زراعی بهره‌برداران مشارکتی و مستقل

ردیف	متغیر	بهره‌برداران مشارکتی			بهره‌برداران مستقل		
		میانگین	کمترین	بیشترین	میانگین	کمترین	بیشترین
۱	تعداد قطعات	۲/۵۵	۱	۴	۲/۵۶	۲	۴
۲	تنوع کشت	۱/۸۷	۱	۳	۳/۲۷	۲	۵
۳	تجربه کشت	۵/۶۵	۴	۲۰	۷/۲۵	۵	۲۵

ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی

همان طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، میانگین استفاده بهره‌برداران مشارکتی و مستقل از امکانات و فناوری‌های کشاورزی، به ترتیب ۱۶ و ۱۱ است. امکانات و فناوری‌ها، استفاده از کود، سم، تراکتور، روتواتور، نهرکن، آبیاری قطره‌ای، دستگاه‌های سم‌پاشی، بذراپی و غیره را شامل می‌شود. یعنی بهره‌برداران مشارکتی و مستقل به طور میانگین از ۱۶ و ۱۱ ابزار و فناوری کشاورزی در طول سال زراعی استفاده می‌کنند. بهره‌برداران مشارکتی به طور میانگین، ۳۷۵ هزار تومان به ازای هر هکتار وام دریافت می‌کنند و میانگین استفاده بهره‌برداران مستقل از وام و تسهیلات نیز مبلغ ۴۶۷ هزار تومان است. بر اساس اطلاعات همین جدول، نمره گرایش به نوگرایی و نوپذیری بهره‌برداران مشارکتی، به طور میانگین ۲۳/۸۷ از ۳۰ نمره است و برای بهره‌برداران مستقل نیز ۱۹/۹۵ از ۳۰ نمره است. میزان عملکرد گوجه‌فرنگی در هر هکتار، به طور میانگین برای بهره‌برداران مشارکتی، ۵۷/۹۲ تن و برای بهره‌برداران مستقل، ۴۱/۱۹ تن در هر هکتار است. در نهایت، بر اساس اطلاعات همین جدول، درآمد حاصل از فروش گوجه‌فرنگی در هر هکتار، برای بهره‌برداران مشارکتی ۵/۷۹۲ میلیون تومان و برای بهره‌برداران مستقل، به طور میانگین ۴/۱۱۹ میلیون تومان است (قیمت هر کیلو در زمان انجام پژوهش در سر مزرعه ۱۰۰ تومان بوده است).

جدول (۴): ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی بهره‌برداران مستقل و مشارکتی

ردیف	متغیر	بهره‌برداران مشارکتی			بهره‌برداران مستقل	
		میانگین	کمترین	بیشترین	میانگین	کمترین
۱	امکانات و فناوری	۱۶	۱۰	۱۸	۱۱	۷
۲	تسهیلات و اعتبارات	۳۷۵	۰	۵۰۰	۴۶۷	۰
۳	گرایش به نوگرایی	۲۳/۸۵	۱۹	۲۸	۱۹/۹۵	۱۵
۴	میزان عملکرد در هکتار	۵۷/۹۲	۴۰	۶۵	۴۱/۱۹	۴۵
۵	درآمد حاصل از فروش	۵/۷۹۲	۴	۶/۵	۴/۱۱۹	۴/۵

یافته‌های تحلیلی

به منظور مقایسه میزان ویژگی‌های فردی، فنی، اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداران همکار شرکت با بهره‌برداران مستقل خانوادگی، از آزمون t استفاده شده است. با توجه به اطلاعات جدول (۵)، می‌توان نتایج آزمون t را با عنایت به سطح معناداری آن‌ها در مورد مقایسه ویژگی‌های دو گروه بهره‌برداران مستقل خانوادگی و بهره‌برداران مشاع با شرکت کشت و صنعت چنین بیان کرد:

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

- بین ویژگی‌های فردی (سن، تحصیلات و بعد خانوار) دو گروه بهره‌بردار مشارکتی و مستقل، اختلاف معناداری وجود ندارد.
- بین میانگین ویژگی‌های کشت (تنوع و تجربه کشت) دو گروه بهره‌بردار همکار و مستقل از شرکت، اختلاف معناداری وجود دارد.
- بین میانگین استفاده از وام و اعتبارات دولتی دو گروه بهره‌بردار همکار و مستقل از شرکت، اختلاف معناداری وجود ندارد.
- بین گرایش به نوگرایی بهره‌برداران همکار و مستقل از شرکت، اختلاف معناداری وجود دارد.
- بین میانگین تعداد قطعات و میزان عملکرد در هکتار دو گروه بهره‌بردار همکار و مستقل از شرکت، اختلاف معناداری وجود ندارد.
- بین میزان استفاده از امکانات و فناوری کشاورزی دو گروه همکار و مستقل از شرکت، اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول (۵): مقایسه میانگین دو گروه بهره‌برداران مشارکتی (M1) و مستقل (M2) با استفاده از آزمون T

ردیف	متغیرها	میانگین M1	میانگین M2	مقدار T	Sig.
۱	سن بهره‌برداران	۵۰/۱	۵۲/۱	۱/۹۱۱	۰/۰۵۷
۲	سطح تحصیلات	۳/۱	۲/۹	۲/۴۵۲	۰/۰۶۱
۳	بعد خانوار	۵/۲۷	۵/۶۵	۲/۰۸	۰/۰۸۳
۴	تنوع کشت	۱/۸۷	۳/۲۷	۱۴/۹	۰/۰۰۰
۵	تجربه کشت	۷/۲۵	۵/۶۵	۶/۲۱	۰/۰۰۰
۶	استفاده از وام و تسهیلات	۳۷۵۰۰۰	۴۶۷۰۰۰	۲/۶۵۴	۰/۰۸
۷	گرایش به نوگرایی	۲۳/۸۵	۱۹/۹۵	۶/۱۵	۰/۰۰۰
۸	تعداد قطعات زمین	۲/۵۵	۲/۵۶	۰/۱۰۲	۰/۹۱۹
۹	درآمد حاصل از فروش	۵۷۰۹۲۰۰	۴۱۱۹۰۰۰	۱۲/۸	۰/۰۰۰
۱۰	میزان عملکرد در هکتار به تن	۵۷/۹۲	۴۱/۱۹	۱۵/۱۶	۰/۰۰۰
۱۱	امکانات و فناوری کشاورزی	۱۱	۱۶	۶/۵۳	۰/۰۰۰

همان‌طور که در قسمت آمار تحلیلی مشاهده شد، بین میانگین سن، سطح تحصیلات، تعداد قطعات، استفاده از وام و اعتبارات دولتی و بعد خانوار دو گروه مستقل و مشاع با کشت و صنعت، تفاوتی وجود نداشت. اما بین بهره‌برداران مشاع با کشت و صنعت در حوزه‌های تنوع کشت، تجربه کشت، گرایش به نوگرایی در کشاورزی، استفاده از امکانات و فناوری کشاورزی، میزان درآمد

محصول و میزان عملکرد محصول در هر هکتار تفاوت معناداری وجود داشت. برای تحلیل چنین تفاوتی، برنامه‌های کشت و صنعت را به عنوان متغیری تأثیرگذار در تفاوت‌های یادشده بین دو گروه، مرور می‌کنیم. این برنامه‌ها در سه بخش مرتبط به هم، یعنی ترویج و آموزش، تقویت روحیه مشارکت کشاورزان و عرضه خدمات کشاورزی اجرا شده است.

الف: ترویج و آموزش

ترویج و آموزش کشاورزی در سطوح مختلف جوامع روستایی، درها را به روی نوآوری باز می‌کند تا با استفاده از نوآوری‌ها، از وضعیت معیشتی خارج شود و با دنیای پیشرفته ارتباط برقرار کند. تسهیل پذیرش فناوری مناسب و بکارگیری روش‌های جدید کشاورزی توسط کشاورزان، از ارمغان‌های ترویج و آموزش کشاورزی است (طالب و عنبری، ۱۳۸۴: ۲۵۶). در حال حاضر، خصوصی‌سازی جایگاه ویژه‌ای در همه حوزه‌ها و از جمله در کشاورزی یافته است و گزینه ترویج خصوصی، به عنوان راه‌حلی جهانی برای فراهم کردن نظام ترویج کشاورزی مؤثر برای کشاورزان مطرح شده است (چاپمن و تریپ^۱، ۲۰۰۳: ۱). در این حوزه، خدمات مشاوره در ترویج کشاورزی، نوعی خصوصی‌سازی است که دانش جدیدی را به کشاورزان عرضه می‌کند و به آنها در تدوین و توسعه مهارت‌های کشاورزی کمک می‌کند. این خدمات، انتشار و پخش اطلاعات، آموزش و مشاوره به کشاورزان به طور انفرادی یا گروهی و آزمون نوآوری‌ها را شامل می‌شود (چیپتا^۲، ۲۰۰۶: ۲).

یکی از بهره‌برداران مستقل خانوادگی که صاحب دو هکتار زمین بود، در پاسخ به این پرسش که جهاد کشاورزی شهرستان در حوزه آموزش و ترویج کشت گوجه‌فرنگی در منطقه، چه فعالیت‌هایی انجام داده است، چنین جواب داد:

«جهاد کشاورزی شهرستان، توجه زیادی به کشت صیفی‌جات و به ویژه گوجه‌فرنگی ندارد، آن‌ها بیشتر به کشت گندم و ذرت در منطقه توجه می‌کنند و بیشتر جلسات خود را با کشاورزانی که زمین‌های زیادی در اختیار دارند، برگزار می‌کنند و هیچ‌وقت نه از مزرعه ما بازدید می‌کنند و نه ما را به جلسات خود دعوت می‌کنند و نه وقتی برای ملاقات ما ترتیب می‌دهند».

بهره‌بردار مستقل ۵۲ ساله‌ای در پاسخ به پرسش مذکور بیان کرد:

1 Chapman & Tripp
2 Chipeta

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

«من دو قطعه زمین، در دو منطقه متفاوت به لحاظ نوع خاک دارم که یک قطعه آن، زمین‌های شنی دارد و قطعه دیگر، عادی و خاک زمینش، تقریباً رُسی است و با توجه به تجربیاتم، انتظارم از جواب آزمایش‌های خاک‌شناسی جهاد کشاورزی، این بود که کودها و سموم متفاوتی با توجه به نوع خاک برای من پیشنهاد کنند، اما جواب هر دو نوع آزمایش، یکی بود، به نظر من کارشناسان جهاد کشاورزی در زمینه آزمایش‌ها و کلاس‌بندی خاک بر روی زمینم، اصلاً آزمایشی انجام نداده بودند و جواب سربالا به من دادند».

یکی از بهره‌برداران مشارکتی در پاسخ به این پرسش که نقش کشت و صنعت روژین تاک، در آموزش و ترویج کشت گوجه‌فرنگی در این منطقه چگونه بوده است، بیان کرد:

«ما آنقدر زمین نداریم که مورد توجه دولت باشیم، من ۳ هکتار زمین آبی و ۴ هکتار، زمین دیم دارم، بیشتر کشت زمین آبی را به کشت صیفی‌جات اختصاص می‌دهم و امسال هم با همکاری کشت و صنعت روژین تاک به کشت گوجه‌فرنگی مشغولیم. در زمینه آموزش‌های نوین کاشت، داشت و برداشت، شرکت مذکور تمام کارها را انجام می‌دهد و ما دیگر نیازمند جهاد کشاورزی در این زمینه نیستیم».

سایر کشاورزان همکار کشت و صنعت (مشارکتی) در پاسخ همین پرسش، جواب‌های مشابهی دادند و از آموزش‌ها و راهنمایی‌های شرکت در حوزه معرفی بذر و نهاده پُرثمر، معرفی کودها و سموم مؤثر و نیز زمان‌بندی دقیق سم‌پاشی و کودریزی راضی بودند و گفتند که شرکت کشت و صنعت، حتی نوع جعبه‌های برداشت گوجه‌فرنگی را رایگان در اختیار ما قرار می‌دهد.

پرسش‌هایی که درباره ترویج و آموزش، از کارشناسان کشت و صنعت پرسیده شد، عبارت است از: از چه طریقی به آموزش صیفی‌کاران پرداخته‌اند؟ چگونه باعث ترویج این نوع کشت در منطقه شده‌اند؟ آموزش و ترویج، بیشتر چه مواردی را شامل می‌شد؟ پل ارتباطی کشاورزان با کارشناسان کشت و صنعت، در طول سال زراعی از چه طریقی انجام می‌شد؟

کارشناسان کشت و صنعت چنین پاسخ دادند: «از آنجا که بیشتر کشاورزان، بی‌سواد یا کم‌سواد هستند، نیاز به تشکیل کلاس‌های حضوری و چهره‌به‌چهره احساس می‌شد که در آغاز فصل کشت محصول، در محل کشت و صنعت محقق شد و با استقبال عده کثیری از صیفی‌کاران مواجه شد. راه دیگر آموزش کشاورزان از طریق وسایل تصویری بود که شرکت کشت و صنعت، به تهیه سی‌دی‌های

آموزشی پرداخت و آنها به صورت رایگان در اختیار خانواده‌های کشاورز قرار داده شد تا همه اعضای خانوار با شیوه‌های صحیح و علمی کاشت، داشت و برداشت گوجه‌فرنگی آشنا شوند. کارشناسان کشت و صنعت در ادامه اظهار داشتند که اقدامات آموزشی ما به کشاورزان در زمینه ترویج کشت گوجه‌فرنگی، تأثیر زیادی داشت، اما اقدام مهم ما که بیشتر باعث ترویج این محصول شد، تضمین خرید محصول با قیمت توافقی بود. ما در آموزش و ترویج کشت گوجه‌فرنگی، بیشتر به آگاه کردن کشاورزان از انواع کودها و سموم استاندارد و نشان دادن نوع تقلبی آن‌ها و نیز معرفی بذرها و پرزده به کشاورزان و انجام آزمایش‌های خاک‌شناسی به منظور انتخاب نوع محصول پرداخته‌ایم. راه ارتباطی ما با صیفی‌کاران بیشتر از دو طریق بود، اول اینکه ما به صورت هفتگی، هر هفته یک بار از مزرعه آن‌ها بازدید می‌کردیم. دوم اینکه از طریق ساختن یک شماره تماس مشترک برای همه کشاورزان به صورت ارسال پیامک، با آن‌ها در ارتباط بودیم، علاوه بر این، در داخل کشت و صنعت، یکی از کارشناسان کشاورزی برای پاسخگویی و ایجاد ارتباط رو در رو با کشاورزان، به طور دائم حضور داشت.»

آموزش صحیح و برنامه‌ریزی شده شرکت کشت و صنعت مورد بررسی از طریق ارتباط مستمر با صیفی‌کاران، نه تنها باعث تشویق آنها به کشت گوجه‌فرنگی شده، بلکه باعث همکاری و مشارکت با کشت و صنعت در زمینه کشت این محصول شده است. آنچه باعث جلب اعتماد کشاورزان منطقه به برنامه‌های آموزشی و ترویجی این شرکت شده است، به‌کارگیری و استخدام کارشناسان بومی و روستایی همین منطقه در امر آموزش و ترویج کشت گوجه‌فرنگی است. این یافته در بعد رفتاری بر اساس نظر آجزن^۱ (۱۹۹۱: ۷۰۶-۷۱۱)، برقراری تماس‌های مفید و منظم با کشاورزان در پذیرش کارشناسان از سوی آنان و استفاده از راهنمایی‌شان بسیار مفید خواهد بود.

ب: تقویت روحیه مشارکت کشاورزان

جذب مشارکت روستاییان در کشاورزی، همواره با موانع فنی، اجتماعی و اقتصادی- فرهنگی روبرو بوده است و در این راه، برنامه‌ای منسجم که متناسب با ساختار فرهنگی اجتماعی و تاریخی روستاها باشد، نیاز است. به اعتقاد طالب، مشارکت، مدیریت و مالکیت واحدهای بهره‌بردار، به ویژه

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

در جامعه روستایی با وجود زمینه‌های مختلف همیاری، مانند لایه‌روبی انهار و قنوات، کار گروهی و معاضدت در نشاءکاری و وجین کردن و غیره، ضعیف است (ازکیا، ۱۳۸۲). ضرورت انجام کار گروهی در کشاورزی را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تشکل‌های کشاورزی دانست (ساربان و افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۴۹-۱۶۸ به نقل از کریشناراج^۱، ۲۰۰۶: ۱۲۱-۱۲۸).

بهره‌برداران مستقل خانوادگی صیفی‌کار در پاسخ به این پرسش که در چه حوزه‌هایی با سایر صیفی‌کاران، همکاری و مشارکت دارید؟ چنین گفتند: کشاورز ۶۵ ساله‌ای گفت «ما تقریباً مستقل از همدیگر به کشت گوجه‌فرنگی می‌پردازیم و هر خانواده بر روی زمین خودش کار می‌کند، و خودش محصولش را به فروش می‌رساند، همکاری ما بیشتر در زمینه تقسیم و نوبت‌بندی آب است».

کشاورز مستقل دیگری در پاسخ پرسش مذکور گفت: «در کشت گوجه‌فرنگی، مشارکت کمتری وجود دارد، چون هم میزان زمین‌هایی که زیر کشت این محصول می‌رود، کم هست و هم کشت این محصول نیازمند کار دائم است که نیروی کار خانوار بهره‌بردار، بیشتر آن را انجام می‌دهد و فرصتی برای همکاری در این زمینه باقی نمی‌گذارد».

همین پرسش از بهره‌برداران مشارکتی پرسیده شد. آنها بیان کردند که برنامه‌های کشت و صنعت، باعث تشویق مشارکت و همکاری شده است. بنابراین، برای روشن شدن ماهیت و ویژگی برنامه‌ها به سراغ کارشناسان کشت و صنعت مورد بررسی رفتیم. پرسش مورد نظر از کارشناسان کشت و صنعت این بود که چگونه و با چه برنامه‌هایی توانسته‌اند مشارکت بهره‌برداران خرد مقیاس را جذب کنند و به تقویت روحیه مشارکت و همیاری در بین آنها بپردازند؟

آنها در پاسخ چنین گفتند: «از جمله مهم‌ترین اقداماتی که در این حوزه انجام داده‌ایم، عبارت است از: (۱) تشکیل جلسه‌های متعدد با بهره‌برداران در سالن کنفرانس شرکت کشت و صنعت در شروع فصل کاشت، داشت و برداشت، برای تبادل نظر بین هیئت مدیره و بهره‌برداران همکار شرکت؛ (۲) ایجاد یک شماره تماس واحد برای دسترسی همه بهره‌برداران به یکدیگر و کارشناسان کشاورزی و نیز هیئت مدیره کشت و صنعت؛ (۳) احترام به مالکیت ارضی بهره‌برداران به این صورت که کشاورزان را به عنوان همکار در نظر می‌گیرد، نه به عنوان رعیت یا کارگر کشاورزی؛ (۴) تقویت انگیزه کار و فعالیت با تضمین خرید محصول کشت شده در فصل کاشت با قیمت پایه و در فصل برداشت، با

قیمت روز که این کار باعث می‌شود از یک طرف، دست واسطه‌گران و میدان‌داران شهری، کوتاه می‌شود و از طرف دیگر، کشاورز با آرامش خاطر به فعالیت کشاورزی خود پردازد. شاید بتوان گفت این عامل، یکی از مهم‌ترین عوامل همکاری بهره‌برداران خرد با شرکت کشت و صنعت بوده است. زیرا پایین و بی‌ثبات بودن قیمت محصولات کشاورزی، یکی از معضلات اصلی کشاورزان و فقر روستاییان خرده‌مالک بوده است؛ (۵) به‌کارگیری برخی از تجربه‌های کشاورزان در کنار شیوه‌های نوین کشاورزی».

نظام بهره‌برداری مشارکتی، به دلیل همکاری در بازسازی راه‌ها و لایه‌روبی انهار، باعث تسهیل در انجام کارهای کشاورزی شده و هزینه‌های مراحل سه‌گانه کاشت، داشت و برداشت را کاهش داده است. یکی از دغدغه‌های مهم صیفی‌کاران، پایین و بی‌ثبات بودن قیمت محصول‌شان است که در این میان، بیشترین سود عاید میدان‌داران و دلالان شهری می‌شود. در نظام بهره‌برداری مشارکتی، این معضل مرتفع می‌شود و شرکت کشت و صنعت در فصل کاشت به انعقاد قرارداد خرید محصول به صورت تضمینی می‌پردازد که این کار، خود باعث تقویت و ترغیب بهره‌برداران به مشارکت بیشتر می‌شود. آنچه باعث تداوم مشارکت بهره‌برداران شده است، احترام به حقوق کشاورزان، از جمله حفظ مالکیت زمین زراعی آن‌ها است و شرکت هیچ‌گاه قصد خرید یا تصرف زمین آن‌ها را نداشته است. شرکت کشت و صنعت، این نگرش را در کشاورزان همکار خود به وجود آورده که آن‌ها وارد یک نظام مشارکتی و منفعت دوسویه شده‌اند، نه یک نظام ارباب-رعیتی. بر همین مبنا، بهره‌برداران همکار شرکت، برای خود حق اظهارنظر و توصیه‌دهی به کشت و صنعت در زمینه به‌کارگیری تجربه‌های چندین ساله در زمینه کشت گوجه‌فرنگی قائل هستند و شرکت نیز با بکارگیری برخی از شیوه‌های دانش بومی آنها، تحقق آن را میسر کرده است.

ج: عرضه خدمات نوین کشاورزی

از آنجایی که بهره‌برداران خرد مقیاس، توان خرید وسایل پیشرفته و مکانیزه کشاورزی را ندارند، عرضه چنین خدماتی برای آن‌ها، می‌تواند در جذب مشارکتشان مفید باشد. از بهره‌برداران مستقل خانوادگی پرسیده شد که در کشت گوجه‌فرنگی، تا چه اندازه و در انجام چه کارهایی، از وسایل نوین کشاورزی استفاده می‌کنید؟

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

کشاورز ۴۴ ساله‌ای که صاحب ۴ هکتار زمین بود، چنین پاسخ داد «من در کشت گوجه‌فرنگی فقط برای شخم زدن از وسایل موتوری (تراکتور) استفاده می‌کنم، کارهای مربوط به کرت‌بندی، تسطیح زمین، آبیاری و سم‌پاشی محصول را همانند پدرم با روش سنتی و با استفاده از بیل و بیلچه انجام می‌دهم».

کشاورز ۶۰ ساله‌ای در پاسخ همین پرسش چنین گفت: «من که فقط ۲ هکتار زمین بیشتر ندارم، از کجا توانایی اجاره دستگاه‌های پیشرفته کرت‌بندی و تسطیح‌سازی را دارم. مگر چقدر محصول به‌دست می‌آورم که چنین هزینه‌هایی را بدهم. من برای شخم‌زدن و نهرکشی، از تراکتور استفاده می‌کنم. آن هم به صورت اجاره‌ای، چون خودم صاحب تراکتور نیستم».

چندین بهره‌بردار مستقل دیگر در پاسخ به این پرسش، جواب‌های مشابهی دادند. برخی درباره کمبود وسایل پیشرفته کشاورزی در منطقه، و برخی نیز درباره گرانی اجاره این وسایل صحبت کردند. بر همین مبنا، می‌توان گفت که بهره‌برداران مستقل صیفی‌کار، بیشتر به صورت سنتی کشت می‌کنند و همانند گذشته، بر نیروی کار خود و فرزندانشان در کشت گوجه‌فرنگی متکی هستند.

همین پرسش برای بهره‌برداران مشارکتی مطرح شد که در ادامه پاسخ سه بهره‌بردار بیان می‌شود. کشاورز ۷۰ ساله‌ای که مدت سه سال است به صورت مشارکتی با کشت و صنعت مورد بررسی به کشت گوجه‌فرنگی می‌پردازد، در پاسخ به پرسش فوق گفت: «ما در کشت گوجه‌فرنگی به لطف حضور کشت و صنعت روژین تاک، از وسایل کشاورزی پیشرفته‌ای استفاده می‌کنیم. ما کلاس رفتیم و می‌دانیم با چه دستگاه‌هایی باید کرت‌بندی کرد تا زمین کمتری به هدر رود و دیگر کرت‌بندی دوجداره انجام نمی‌دهیم و این کار را با دستگاه فارو به صورت یک‌جداره‌ای انجام می‌دهیم که هم زمین کمتری در فاصله بین کرت‌ها بلااستفاده بماند و هم آب کمتری در موقع آبیاری لازم داشته باشد».

در بحث گروهی که با حضور مدیرعامل و کارشناسان کشت و صنعت برگزار شد، این پرسش مطرح گردید که کشت و صنعت، چه خدمات نوینی برای بهره‌برداران همکار خود انجام داده و بیشتر در چه حوزه‌هایی بوده است؟ خلاصه‌ای از این بحث گروهی به این شرح است:

«ابتدا مدیرعامل شرکت کشت و صنعت چنین شروع کرد: دستگاه‌هایی که ما در طی ۵ سال اخیر برای کشت گوجه‌فرنگی به منطقه آورده‌ایم، هنوز جهاد کشاورزی شهرستان وارد منطقه نکرده است؛ و

در این زمینه پیش قدم هستیم. از مدیرعامل پرسیدم (پژوهشگر)، می‌توانید نام دو مورد از این دستگاه‌ها را با کاربرد آن‌ها بیان کنید؟ مدیرعامل گفت بله: مثلاً دستگاه‌های فارو و روتواتور که برای کرت‌بندی و تسطیح زمین مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ادامه بحث، یکی از کارشناسان در تکمیل حرف مدیرعامل اظهار داشت البته به دلیل پرهزینه بودن و گران بودن این دستگاه‌ها، ما فقط ۵ دستگاه را به منطقه آورده‌ایم که به صورت نوبتی در اختیار صیفی‌کاران قرار می‌دهیم. یکی دیگر از کارشناسان گفت خدمات جدید ما فقط به آوردن چند دستگاه جدید کشاورزی به منطقه مربوط نبوده است، بلکه خدمات نوین ما از آغاز کشت تا پایان فصل برداشت گوجه‌فرنگی را شامل می‌شود. از این کارشناس پرسیدم می‌توانید به طور خلاصه، اهم آن‌ها را بیان کنید؟ کارشناس نیز در جواب گفت که ما کارمان را با آزمایش خاک زمین‌های کشاورزان همکار خود، به منظور تشخیص و تعیین زمین‌هایی که مناسب کشت گوجه‌فرنگی هست، شروع می‌کنیم، سپس ارقام و بذره‌های اصلاح شده و پرمتر را با قیمت ارزان در اختیار بهره‌برداران همکار شرکت قرار می‌دهیم. علاوه بر این، سموم و کودهای متناسب با دوره کشت را معرفی می‌کنیم. یکی دیگر از کارشناسان در ادامه پاسخ همین پرسش گفت ما مشوق کشاورزان در استفاده از آبیاری قطره‌ای هستیم و نقشه لوله‌کشی را نیز به صورت رایگان انجام می‌دهیم که موفق به راه‌اندازی نزدیک به ۱۰ مورد آبیاری قطره‌ای در بین این بهره‌برداران همکار شده‌ایم. یکی دیگر از کارشناسان در ادامه بحث گفت خدمات ما به اینجا ختم نمی‌شود و ما حتی وسایل جدید برداشت گوجه‌فرنگی را نیز به صورت رایگان در اختیار بهره‌برداران همکار شرکت قرار می‌دهیم. پرسیدم این وسایل برداشت، چه مزیتی دارد؟ کارشناس دیگر جواب پرسش من را چنین داد: از جمله ویژگی‌های این وسایل برداشت، سبک بودن، مشبک بودن، قابلیت حمل و نقل آسان و خاصیت دوام‌پذیری گوجه‌فرنگی در آن‌ها است. در پایان بحث پرسیدم کارشناسان محترم، نظر دیگری در این مورد ندارند، یکی از کارشناسان که در طول بحث، کم‌حرف بود، گفت این نکته از نظر دوستان دور ماند که خدمات ما متناسب با میزان زمین‌هایی است که بهره‌برداران مشارکتی با ما قرارداد دارند. نه به این معنا که ما به بهره‌برداران همکاری که کم‌زمین هستند، توجه نکنیم، بلکه بیشتر هدفمان این است که تعادل بین این بهره‌برداران همکار به وجود بیاید.

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

پس از این بحث گروهی، این پرسش به ذهن نگارندگان خطور کرد که جایگاه دانش بومی بهره‌برداران در کشت گوجه‌فرنگی در کشاورزی مدرن کجاست؟ برای پاسخ به این پرسش، به سراغ چند تن از بهره‌برداران مشارکتی رفتیم، آن‌ها در جواب چنین گفتند:

«قبل از اینکه این شرکت به اینجا بیاید، ما به شیوه سنتی به کشت گوجه‌فرنگی می‌پرداختیم، اما برنامه و آموزش‌های شرکت نشان داد که برخی از شیوه‌های بومی کشت ما نه تنها مفید نبوده، بلکه بهره‌وری زمین را نیز کاهش می‌دهد است. البته بعضی از این شیوه‌ها، هم هنوز هم در کشاورزی مدرن کارایی دارد و با وجود پیشرفت‌های شگرف در حوزه کشاورزی، هنوز هم سودمند است»

از بهره‌برداران مشارکتی پرسیده شد که چه شیوه‌هایی از دانش بومی کشت گوجه‌فرنگی، هنوز نیز کاربرد دارد، و چه شیوه‌هایی کنار گذاشته شده است. آنها گفتند: «برخی از شیوه‌هایی که هنوز کارایی دارد، عبارت است از: پوک‌شدن زمین برای رشد ریشه بوته‌ها، خواباندن بوته‌ها از نور مستقیم آفتاب، زخم آب، به منظور سفت شدن پای بوته‌ها و ناوچین کردن برای کندن و از بین بردن بوته‌های لاغر و ضعیف و برخی از شیوه‌هایی که کنار گذاشته شده است، عبارت است از سوزاندن زمین به منظور آماده‌سازی، شیوه چینش بوته (عدم رعایت تراکم)، آبیاری غرقابی و جویی و شیوه کرت‌بندی و نیز رعایت نکردن تناوب در کشت سال به سال».

لازمه کشاورزی پرتمر و پربازده، به‌کارگیری شیوه‌های نوین کشت است، در این میان، شرکت کشت و صنعت مورد بررسی توانسته است در این حوزه فعالیت‌های مطلوبی انجام دهد، از قبیل: ایجاد انبار محصولات کشاورزی در منطقه، نهاده‌ها و بذرها و کود و سموم، بازسازی و بهسازی راه‌های کشاورزی، تسهیل در استفاده از آبیاری قطره‌ای، توزیع جعبه‌های استاندارد برداشت محصول و آوردن دستگاه‌های پیشرفته کرت‌بندی و تسطیح‌سازی زمین که نتایج جالب توجهی برای بهره‌برداران مشارکتی داشته است.

بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه با بهره‌برداران مشارکتی، پیامد برنامه‌های کشت و صنعت در قالب ترویج و آموزش کشاورزان، تقویت روحیه مشارکت و همکاری و نیز عرضه خدمات کشاورزی مدرن را به طور ملموس می‌توان در میزان برداشت محصول دید. بر اساس اطلاعات حاصل از پرسشنامه توزیع شده در بین هر دو گروه مورد بررسی، میانگین برداشت محصول بهره‌برداران همکار کشت و صنعت (مشارکتی) ۵۷ تن در هکتار و میانگین برداشت محصول بهره‌برداران مستقل

خانوادگی، ۴۰ تن در هکتار بوده است. بر اساس همین اطلاعات، بهره‌برداران مشارکتی بیش از ۸۰ درصد از محصول گوجه‌فرنگی خود را به کشت و صنعت می‌فروشند، در حالی که به طور میانگین، بهره‌برداران مستقل ۵۰ درصد محصول گوجه‌فرنگی خود را به فروش می‌رسانند و بقیه را با توجه به رسوم منطقه، بین فامیل‌ها و آشنایان خود تقسیم می‌کنند. از این رو، می‌توان گفت که کشت گوجه‌فرنگی در بین بهره‌برداران مشارکتی، وضعیتی تجاری یافته است و در بین بهره‌برداران مستقل نیز هنوز رنگ و بوی معیشتی دارد.

تنگناها و چالش‌های پیش‌روی صیفی‌کاران

آخرین پرسشی که به صورت کیفی از هر دو گروه از بهره‌برداران پرسیده شد، این بود که مهم‌ترین مشکلات و تنگناها در کشت صیفی‌جات و به ویژه گوجه‌فرنگی را بیان کنند. پاسخ‌های متنوعی به این پرسش داده شد و مشکلات عدیده‌ای بیان گردید. اما به استخراج اطلاعاتی دست زدیم که مرتبط با هدف و موضوع پژوهش حاضر است، بدین شرح: برخی از کشاورزان درباره کم‌توجهی اداره خدمات کشاورزی شهرستان به کشت صیفی‌جات نسبت به کشت غلات صحبت کردند، برخی دیگر بیمه نکردن محصولات صیفی، به ویژه گوجه‌فرنگی را توسط بیمه‌گر دولتی و غیردولتی، مانعی جدی می‌دانستند. عده‌ای از کشاورزان نیز نبود مراکز خرید عمده محصولات صیفی در منطقه، به غیر از کشت و صنعت روژین تاک را به عنوان یک مشکل در منطقه مثال زدند. تعدادی از صیفی‌کاران درباره کم‌اثر بودن، کافی نبودن کودها و سموم یارانه‌ای دولت (فقط دو کیسه برای هر هکتار)، چند بهره‌بردار نیز درباره نداشتن قدرت مالی برای احداث چاه عمیق آب کشاورزی و عدم مهارت در استفاده صحیح و تعمیرات جزئی آلات کشاورزی، به ویژه موتور پمپ چاه صحبت کردند. در نهایت، بهره‌برداران زیادی پرهزینه و کمیاب بودن قطعات فنی آبیاری قطره‌ای را مسئله‌ای اساسی دانستند.

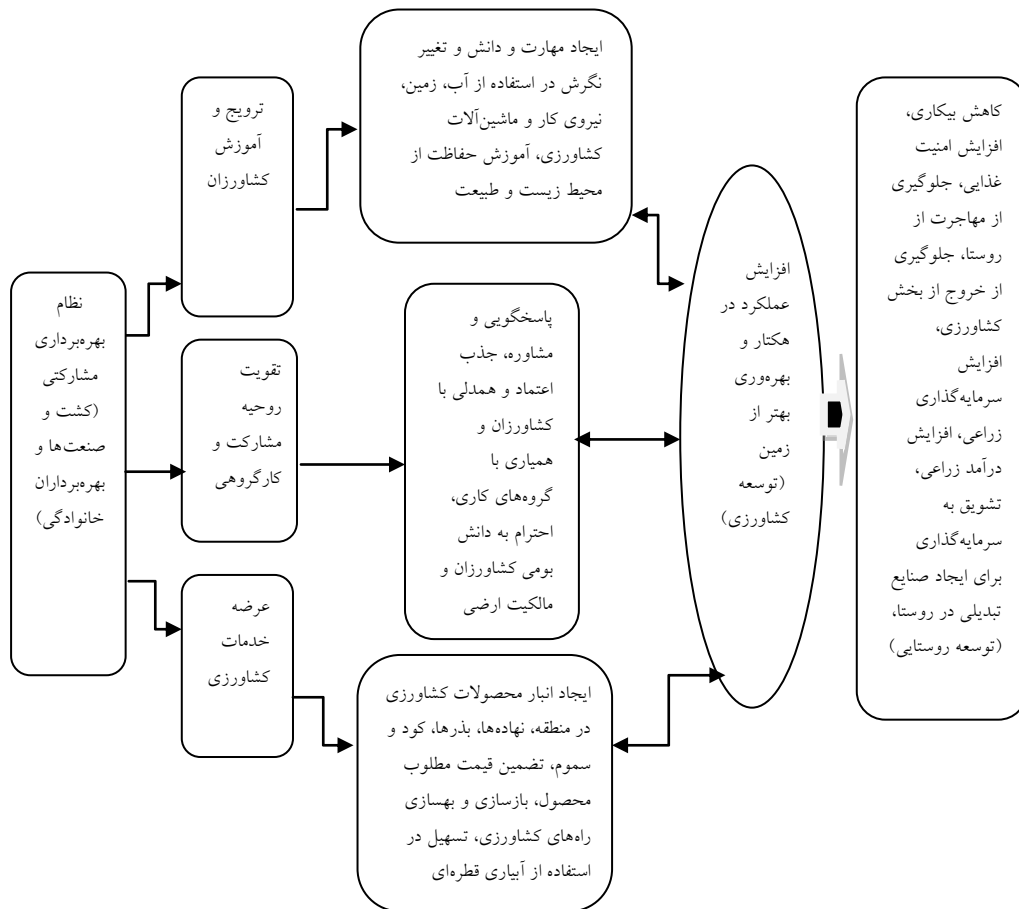
ارائه مدل بهره‌برداری مشارکتی

ارائه مدل مناسب کشاورزی، باید متناسب با فرهنگ و ساختار اجتماعی-اقتصادی منطقه مورد بررسی باشد. بر همین مبنا، در نظر گرفتن سه مؤلفه اصلی نظام بهره‌برداری، یعنی ترویج و آموزش،

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

مشارکت و کار گروهی و نیز خدمات نوین کشاورزی ضرورت دارد. هر یک از مؤلفه‌های مذکور، شاخص‌هایی دارد که در ادامه بیان می‌شود.

شکل (۱): مدل حاصل از پژوهش



شاخص‌های ترویج و آموزش، عبارت است از: ایجاد مهارت و دانش، تغییر نگرش در استفاده از آب، زمین، نیروی کار و ماشین‌آلات کشاورزی، آموزش حفاظت از محیط زیست و طبیعت. پاسخگویی و مشاوره، جذب اعتماد و همدلی با کشاورزان، همیاری با گروه‌های کاری، احترام به دانش بومی کشاورزان و مالکیت ارضی، شاخص‌های مشارکت و کار گروهی در نظام بهره‌برداری

زراعی است. شاخص‌های استفاده از خدمات نوین کشاورزی را نیز می‌توان ایجاد انبار محصولات کشاورزی در منطقه، نهاده‌ها، بذرها، کود و سموم، تضمین قیمت مطلوب محصول، بازسازی و بهسازی راه‌های کشاورزی، تسهیل در استفاده از آبیاری قطره‌ای و استفاده از ماشین‌آلات پیشرفته دانست. نتیجه چنین مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی، بهره‌وری بیشتر از زمین زراعی است که می‌تواند مصداق توسعه کشاورزی باشد و توسعه کشاورزی نیز خود باعث کاهش بیکاری، افزایش امنیت غذایی، جلوگیری از مهاجرت از روستا، جلوگیری از خروج از بخش کشاورزی، افزایش سرمایه‌گذاری زراعی، افزایش درآمد زراعی و تشویق به سرمایه‌گذاری برای ایجاد صنایع تبدیلی در روستا می‌شود. در نهایت، توسعه کشاورزی خود یکی از زمینه‌های توسعه روستایی است. این نوع نظام مشارکتی، تلفیقی از نظام بهره‌برداری خانوادگی (مالک آب، زمین و نیروی کار) و کشت و صنعت‌ها (صاحب فناوری و دانش مدرن کشاورزی) است (به شکل (۱) نگاه کنید).

نتیجه‌گیری

دسترسی مناسب به خدمات کشاورزی و بازارها، فشردگی الگوی موجود تولیدی و کشت فشرده، منبع مهمی برای رشد اقتصاد روستایی است که عامل مؤثری برای جلوگیری از خروج روستاییان از بخش کشاورزی است. آنچه به عنوان یک ضرورت کارکردی برای توسعه کشاورزی و توسعه روستایی مطرح است، ایجاد نظام جدید بهره‌برداری کشاورزی است که جوابگوی نیازهای مصرفی و نیز منطبق با ساختار فرهنگی و اقتصادی-اجتماعی اجتماعات محلی باشد. در این میان، احداث کشت و صنعت‌های خصوصی در مناطق روستایی مستعد کشاورزی، با هدف تعامل با بهره‌برداران‌های خردمقیاس، می‌تواند راه‌حلی مطلوب برای برون‌رفت از معضل کم بودن بهره‌وری زمین برای کشاورزی در این برهه از زمان باشد. زیرا شرکت‌های مذکور با داشتن سرمایه پولی و اعتبارات کشاورزی فراوان، ماشین‌آلات جدید کشاورزی را در منطقه وارد می‌کنند و برای فراگیری شیوه‌های نوین کشاورزی توسط گروه کارشناسی، به آموزش و ترویج ابزار کار زراعی می‌پردازند. علاوه بر این، نهاده‌های پرثمر، کودها و سموم مؤثر را به کشاورزان معرفی می‌کنند و در نهایت، با تضمین خرید محصولی خاص از کشاورزان با قیمت توافقی، کشاورزی منطقه را همراه با بهره‌برداران خردمقیاس، به طور مشارکتی مدیریت می‌کنند. علاوه بر این موارد کارشناسان کشت و صنعت که خود

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

از بومیان منطقه هستند، با کشاورزان ارتباط راحت‌تر و مؤثرتری برقرار می‌کنند که نتیجه آن، آگاهی به کشت مناسب و افزایش مهارت در استفاده بهتر از زمین زراعی است که به افزایش بهره‌وری می‌انجامد. تلفیق دانش بومی و دانش مدرن کشاورزی در کشت گوجه‌فرنگی، یکی از اقدامات جالب توجه شرکت کشت و صنعت مورد بررسی است که موجب شده است کشاورزان با دانش جدید کشاورزی آشنا شوند و تجربه‌های مفید چند صدساله گذشتگان را نیز به کار گیرند.

مدل ارائه شده در پژوهش حاضر، حاصل تجربه بهره‌برداران همکار شرکت کشت و صنعت مورد بررسی است که از یک طرف، باعث کاهش وابستگی بهره‌برداران کوچک‌مقیاس به خدمات دولتی شده است و از طرف دیگر، خود بهره‌برداران به عنوان متولیان گسترش و توسعه فعالیت‌های زراعی و کشاورزی مطرح هستند.

با اینکه شرکت کشت و صنعت روژین تاک، تحولی بزرگ در کشت صیفی‌جات، به ویژه گوجه‌فرنگی در منطقه روستایی شهرستان کرمانشاه ایجاد کرده است، و نزدیک به ۷۵ نفر از روستاییان منطقه را به طور مستقیم و حدود ۱۵۰ نفر را به طور فصلی و غیرمستقیم مشغول به کار کرده، با مسئله‌ای مهم، یعنی عدم توان کافی در پرداخت بهای محصول خریداری شده به کشاورزان مواجه شده است. در مصاحبه با مدیرعامل کشت و صنعت، به بررسی این مسئله پرداختیم. ایشان گفتند نه تنها من، بلکه هیچ کشت و صنعتی نیست که یک‌شبه، بهای خرید محصول ۵۰۰۰ هکتار زمین را بدهد، بنابراین، راه‌حلی که پیشنهاد کردیم و موقتاً کشاورزان همکار پذیرفته‌اند، واریز ماهیانه مبلغی توافقی به حساب آن‌ها است.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، وجود شرکت‌های کشت و صنعت خصوصی همکار با بهره‌برداران خانوادگی، که یک نظام مشارکتی جدید به وجود آورده است، از مزایای زیر برخوردار است:

۱- به دلیل ارتباط مستمر و متقابل کارشناسان کشاورزی کشت و صنعت با بهره‌برداران، باعث تسهیل در ترویج و انتشار نوآوری در زمینه فعالیت‌های کشاورزی می‌شود و هزینه‌های آموزش کشاورزان را برای دولت به شدت کاهش می‌دهد.

۲- به دلیل منفعت دوسویه کشاورز و شرکت کشت و صنعت، روحیه همکاری و تعاون در روستاها تقویت می‌شود.

توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

۳- به دلیل وابستگی متقابل و تعامل دوجانبه بین بهره‌بردار روستایی و شرکت کشت و صنعت، حریم و حدود مالکیت کشاورز محترم دانسته می‌شود.

۴- به‌کارگیری و استخدام بخشی از نیروهای بومی و روستایی در بخش‌های مختلف شرکت.

۵- از آنجایی که یکی از اهداف عمده کشت و صنعت خصوصی، بنا به ماهیت آن، سود و منفعت است، به صورت کارشناسی کشت متناسب با کلاس‌بندی خاک منطقه و شرایط آب و هوایی آن را در منطقه رواج می‌دهد که به سود روستاییان منطقه نیز است.

۶- به طور قابل قبولی مانع مهاجرت کشاورزان به شهرها می‌شود و بخشی از بیکاران روستا را جذب می‌کند. به دلیل تسهیل در ترابری و عبور و مرور ماشین‌های سنگین باری و کشاورزی، شرکت‌های کشت و صنعت، به تقویت و بازسازی راه‌های جاده‌ای منتهی به خود می‌پردازد. برای مثال، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، ۱۵ روستا که قبلاً راه شوسه‌ای داشت، به دلیل اقدام کشت و صنعت به بازسازی جاده‌های منتهی به خود، اکنون از جاده آسفالت بهره‌مند شده است.

۷- تصدی‌گری دولت در انجام خدمات کارشناسی و امور بهره‌برداری کاهش می‌یابد و شرکت‌های کشت و صنعت در قالب بخش خصوصی در روستاها تجدید سازمان می‌کند و فعال می‌شود.

از آنجایی که نظام بهره‌برداری زراعی، به عنوان کانون و محور اصلی همه فعالیت‌های مربوط به توسعه پایدار کشاورزی و روستایی مطرح است، پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی توسعه روستایی، نظام بهره‌برداری زراعی را به عنوان یک مسئله اجتماعی - اقتصادی جامعه روستایی، مورد بررسی دقیق قرار دهند.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵). *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی ایران*. تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی؛ فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۷). *بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل دهقانی به تعاونی*. نامه علوم اجتماعی، ۳۳.
- درگاه مرکز ملی آمار ایران (۱۳۸۲). *نتایج سرشماری کشاورزی ۱۳۸۱*. تهران: مرکز آمار ایران.
- ساربان، وکیل حیدری و افتخاری، رکن‌الدین (۱۳۹۰). *عوامل مؤثر بر عضویت کشاورزان در تعاونی‌های تولید روستایی (مطالعه موردی: استان اردبیل)*. توسعه روستایی، ۳(۱)، ۱۴۹-۱۶۸.
- طالب، مهدی و عنبری، موسی (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی روستایی ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

بررسی و مقایسه بهره‌برداران مستقل خانوادگی با بهره‌برداران مشارکتی ...

- عبداللهی، محمد (۱۳۷۷). *نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران تهران وزارت کشاورزی معاونت امور نظام بهره‌برداری*. تهران.
- عمانی، احمدرضا و چیدری، محمد (۱۳۸۲). تأثیر عضویت در تعاونی‌های روستایی بر سطح ویژگی‌های فنی، اقتصادی و اجتماعی گندم‌کاران استان خوزستان. *مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران* (۵۸۱-۵۹۹). تهران: انتشارات معاونت ترویج نظام بهره‌برداری با همکاری مؤسسه فرهنگی - هنری شقایق روستا.
- فیروزآبادی، سید احمد و حسینی، سید رسول (۱۳۹۰). بررسی موانع و مشکلات تعاونی‌های روستایی در بازاریابی محصولات کشاورزی. *مورد مطالعه شرکت تعاونی روستایی روستای کوشک هزار بیضا. توسعه روستایی*، ۳(۱)، ۱۲۹-۱۴۸. لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی کشاورزی*. تهران: اطلاعات.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۲). بررسی مقایسه‌ای نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران و ویتنام. *مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران* (۳۶۷-۳۸۳). تهران: انتشارات معاونت ترویج نظام بهره‌برداری با همکاری مؤسسه فرهنگی - هنری شقایق روستا.

- Adolina, M. W., Jenkins, K., Keeter, S., & Zukin, C. (2002). searching for the Meaning of Youth Civic Engagement: Notes from the field. *Applied Developmental Science*, 6 (4), 189-195.
- Ajzan, I. (1991). The Theory of Planned Behaviour, Organization Behaviour and Human Decision Processes. 50, 179-211 al of *Agricultural and Biological Science*, 3(4), 706-711.
- Brennan, M. A., Barnett, R. & Baugh, E. (2007). Youth Involvement in Community Development: Implications and Possibilities for Extension. *Journal of Extension*, 45(4), 36-46.
- Chapman, R. & Tripp, R. (2003). *Agricultural Research, and extention network*. DFID.
- Chipeta, S. (2006). *Demand Driven Agricultuer Advisory Services*. Swiss Center for Agricultural Extention and Rural Development: Neuchatel Group.
- Fletcher, A. C., Elder, G/H., & Mekos, D. (2000). Parental Influence on Adolescent Invlovement in Community Activities. *Journal of Reserch on Adolescence*, I, 29-48.
- Krishnaraj, R. (2006). Analysis of the orginal efficiency of milk producer's cooperatives society. *The Indian Journal of Dairy Scince*, 121-128.
- Zeldin, S. (2002). Sense of Community and Positive Adult Beliefs toward Adolescents and Youth Policy in Urban Neighborhoods and Small Cities. *Journal of Youth and Adolescence*, 31(5), 331-343.
- Zeldin, S. (2004). Youth as Agents of Adult and Community Development: Mapping the Processes and Outcomes of Youth Engaged in Organizational Governance. *Applied Developmental Science*, 8, 75-90.